

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که

تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. فیض محمد کاتب هزاره کی بود؟

۲. او در کدام زمان می‌زیست؟

۳. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟ ۴. او چه کارهایی را انجام داد؟

۵. چرا او را «بیهقی ثانی» می‌گویند؟

فیض محمد کاتب هزاره



ملا فیض محمد کاتب مشهور به «هزاره» در سال ۱۲۳۹ هجری شمسی در دهکده «زردسنگ» واقع قره باغ غزنی، چشم به جهان گشود. نام پدرش سعید محمد و نام پدر کلانش خداداد فرزند الله داد است که در منطقه ناهور غزنی زنده گی می‌کردند.

کاتب آموزش را پس از نوجوانی آغاز کرد. او برای فراگرفتن دانش، به شهرها و کشورهای مختلفی سفر کرد و با اندوخته‌های فراوانی برگشت. فیض محمد به ولایت قندهار رفت و نزد «ملا محمد سرور اسحاقزی»، عالم دین و شخصیت سیاسی آن خطه، به شاگردی نشست. بعد از مدتی، برای کسب آموزش بیشتر روانه

لاهور شد و به آموزش ادامه داد. پس از آن به ایران رفت و در حوزه علمیه قم مصروف تحصیل گردید. آخرین مرجع تحصیل او حوزه علمیه نجف اشرف در عراق بود.

تحصیلات کاتب، مسلسل و روی یک رشته خاص تحت نظر استادان مشخص صورت نگرفته است؛ بنابراین چنین به نظر می‌رسد که کاتب از استعداد سرشار برخوردار بوده و آنچه را آموخته از تلاش، جدیت و مطالعه مداوم شخصی خودش بوده است؛ یعنی در فراگیری دانش و آگاهی پیرامون وقایع جهان و روزگار، حس کنجکاوی ویژه‌ای داشته و همین کنجکاوی باعث شده که او به تاریخ‌نگاری و ثبت وقایع بپردازد. کاتب هزاره علاوه بر مراتب علم و دانش در هنر خطاطی و خوشنویسی نیز صلاحیت استادی داشت. نسخه‌های متعددی از قرآن کریم را با خط زیبای خویش نوشته و چند جلد کتاب از تألیفات علمای گذشته را نیز با خط نستعلیق نوشته که تعدادی از آن کتاب‌ها تا اکنون در دسترس است؛ بنابراین یکی از

دلایلی که کاتب به دربار راه می‌یابد و عضویت دارالانشا را حاصل می‌کند، درایت و استعداد خاص او در نویسنده‌گی و خوشنویسی است.

وظایف رسمی فیض محمد کاتب: آغاز وظایف رسمی ملافیض محمد کاتب، با پایان دوره تحصیل و آموزش او گره می‌خورد. زمانی که او عراق و حوزه علمیه نجف را ترک نمود، از طریق هندوستان وارد جلال‌آباد شد. وقتی کاتب به جلال‌آباد رسید، این مصادف بود با زمانی که سردارنصرالله خان برادر امیرحبیب‌الله خان با ختم سفر زمستانی خود، جلال‌آباد را به قصد کابل ترک می‌کرد. فیض محمد دریافت که استاد سابق او، مولوی محمد سرور اسحاقزی، به حیث مشاور همراه با سردار نصرالله خان است. پس او خود را به استادش رسانید و با توجه او، همراه با آن کاروان به کابل آمد. در ضمن با سردارنصرالله خان معرفی گردید و در دربار امیر به حیث عضو دارالانشا و مجلس تألیف گماشته شد. پس از مرگ حبیب‌الله‌خان به وظیفه او در دارالانشا و مجلس تألیف خاتمه داده شد و به دارالتألیف منتقل گردید که آنجا در تهیه و تنظیم کتاب‌های درسی سعی لازم و ارزشمندی به خرج داد و خود نیز به نوشتن کتاب و مقالات پرداخت، چنانکه کتاب «تاریخ متقدمین» را در جریان کار در همین اداره تألیف و چاپ کرد.

کاتب در تاریخ‌نگاری خویش از نوع واقعه‌نگاری استفاده کرده است. او رویدادها را از سال ۱۱۶۰ تا ۱۳۴۸ هـ. ق. که نزدیک به دوصد سال می‌شود، به صورت بسیار واقع‌بینانه و دور از مبالغه و گرایش‌ها با اتکا به مدارک مؤثق و دست اول منعکس ساخته است.

فیض محمد کاتب، هم در عرصه سیاسی کشور، عملاً فعال بود و هم در زمینه‌های تاریخ و فرهنگ و بیداری اجتماعی، خردمندانه و با تدبیر تلاش می‌کرد. به عبارت دیگر آن گونه که آثارش نشان می‌دهد، او پنج هزار صفحه در تاریخ، فرهنگ و سیاست افغانستان نگاشته و هیچ‌گاه برای آسایش خودش، دور از درد و رنج مردم به سر نبرده است. تاریخ‌نویسان او را «بیبهقی‌ثانی» لقب داده اند؛ زیرا او شاگرد راستین و ادامه دهنده راه ابوالفضل بیبهقی است. بدان‌سان که ابوالفضل بیبهقی، دانش، آزاده‌گی و فضیلت را بنده درهم و دینار نساخت و جوهر حقیقت را گاهی به آشکارا نویسی و صراحت‌گرایی و گاهی به نیروی ابهام و الهام، طنز و کنایات در رگ‌های تاریخ جاری ساخت. فیض محمدکاتب، نیز آگاهانه مسیر بیبهقی را پیمود و توانست با بهره‌برداری از قریحه توانایش هدف اساسی خویش را که همانا ثبت واقعیت‌های تاریخی است، استادانه برآورده سازد.

بالآخره کاتب در ۱۶ جدی سال ۱۳۰۹ هـ. ش. به سن هفتاد ساله‌گی در حالی که پنجاه سال آن را در خدمت فرهنگ و ادب به سر برده بود، وفات کرد و در بالاجوی چنداول به خاک سپرده شد.

- آثار کاتب:** از ملافیض محمد کاتب آثار فراوانی برجا مانده است که همه مآخذ پژوهشگران است. نه تنها محققان داخلی که تاریخ‌نگاران خارجی نیز به گفته‌های او استناد می‌ورزند. مهمترین آثار او قرار زیر اند:
۱. تحفة الحبيب: جلد اول شامل وقایع و حوادث دوران سدوزایی و جلد دوم شامل وقایع دوران محمد زایی‌ها است.
 ۲. سراج‌التواریخ: (پنج جلد) که امروز تنها سه جلد آن در دسترس است.
 ۳. فیضی از فیوضات: که مهمترین و با ارزش‌ترین اثر قلمی کاتب بوده است.
 ۴. تاریخ عصر امانیه: بنا به فرمان تاریخی ۱۶/۲/۱۲۹۹ امان‌الله‌خان نگاشته شده که در آرشیف ملی افغانستان موجود است.
 ۵. وقایع افغانستان
 ۶. استقلال افغانستان
 ۷. تاریخ حکمای متقدمین (کتاب‌درسی) و بیشتر از بیست جلد کتاب، رساله و نوشته‌های دیگر.



واقعه‌نویسی: در زمان ملافیض محمد کاتب هزاره، تاریخ‌نگاری در افغانستان؛ مانند کشورهای دیگر اسلامی تابع روشی بود که از ظهور اسلام به بعد در مراکز مهم فرهنگی اسلامی آن روزگار مثل بغداد، کوفه و شهرهای دیگر- آنچه در آن هنگام، اراضی خلافت شرقیه نامیده می‌شد - مرسوم بود که آن مشتمل بر دو نوع اصلی و انواع فرعی دیگر می‌باشد: ۱. نوع خبر؛ ۲. نوع واقعه‌نگاری و یا تاریخ‌نویسی.

کاتب در تاریخ‌نگاری‌اش از نوع دوم که واقعه‌نگاری است، استفاده کرده است؛ زیرا واقعه‌نگاری به تفصیل در مورد قضایای تاریخی می‌پردازد. از قرن چهاردهم به بعد، مؤرخان روش واقعه‌نگاری را به کار برده و به قید سال، ماه و روز هم پرداخته‌اند.

فیض محمد کاتب در آثار خویش، آنچه در باره تاریخ افغانستان نوشته، در آن روش واقعه‌نگاری و تاریخچه‌نگاری را برگزیده و وقایع تاریخی را به قید سال بیان کرده و مانند مؤرخان قرن چهاردهم و پانزدهم تاریخ ماه و روز را نیز بر آن افزوده است.

بخوانیم و بدانیم

۱. ملا فیض محمد کاتب مشهور به «هزاره» در سال ۱۲۳۹ هـ.ش. در دهکده «زردسنگ» واقع قره باغ غزنی، چشم به جهان گشود.
۲. کاتب آموزش را پس از نوجوانی آغاز کرد. او برای فراگرفتن علوم، به شهرها و کشورهای مختلفی سفر کرد، و با اندوخته‌های فراوانی برگشت.
۳. کاتب در تاریخ‌نویسی خویش از نوع واقعه‌نویسی استفاده کرده است.
۴. فیض محمد کاتب، هم در عرصه سیاسی کشور، و هم در زمینه‌های تاریخ، فرهنگ و بیداری اجتماعی، خردمندان و با تدبیر فعالیت می‌کرد.
۵. او پنج هزار صفحه در تاریخ، فرهنگ و سیاست افغانستان نگاشته است.
۶. تاریخ‌نویسان او را «بیهقی ثانی» لقب داده اند.
۷. کاتب در ۱۶ جدی سال ۱۳۰۹ هـ.ش. به سن هفتاد ساله‌گی وفات یافت و در بالاجوی چنداول به خاک سپرده شد.
۸. مجموعه آثار کاتب به بیشتر از بیست اثر می‌رسد که مشهورترین آن: تحفة الحیب، سراج التواریخ، فیضی از فیوضات، تاریخ عصر امانیه، وقایع افغانستان، استقلال افغانستان و تاریخ حکمای متقدمین می‌باشد.

آیین نامه‌نگاری

- **انواع نامه‌ها:** نامه‌ها را نظر به مضمون، محتوا، پیام و سایر مشخصات آن به چند دسته تقسیم کرده اند، که در زیر از هر یک نام می‌بریم:
 ۱. نامه‌های اداری (مکتوب‌ها)
 ۲. نامه‌های دوستانه
 ۳. نامه‌های عاطفی
 ۴. نامه‌های اشخاص به دفاتر رسمی
 ۵. نامه‌های دفاتر رسمی به اشخاص (مکتوب‌ها)
 ۶. نامه‌های آگاهی بخش و غیرهبا نظر داشت همه موارد یادشده، در مجموع نامه‌ها به دو دسته عمومی تقسیم می‌شوند:
 - ۱ - نامه‌های خصوصی
 - ۲ - نامه‌های اداری (مکتوب‌ها)

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به گروه‌ها تقسیم شده در مورد این که خواندن علم تاریخ چه فایده دارد، باهم گفتگو کنند و فواید آن را فهرست نمایند؛ سپس نتیجه را یک نفر از هر گروه به دیگران بگوید.
۲. دو تن از شاگردان به اساس نوبت در برابر صنف حاضر شده چند نوع نامه را نام ببرند و هر یک شان یک نوع نامه را به برداشت شخصی خود تعریف نموده و نمونه بیاورند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسند.
۲. این تصویر را با موضوع «استقلال» ارتباط داده، در مورد آن یک نامه هفت سطری به یکی از دوستان خود بنویسند.

